

نقش نماز جماعت در جامعه‌پذیری سیاسی

محمدتقی دشتی^۱

محمد مهدی فر^۲

چکیده

یکی از مقدمات مهم تشکیل جامعه سیاسی، جامعه‌پذیری افراد آن و پذیرش لوازم زیست جمعی سیاسی است. در مکاتب مختلف برای دستیابی به این مهم، روش‌های گوناگونی از قبیل آموزش درون خانواده، تقویت گروه‌های مدنی، برخورد‌های قضایی با متخلفین و... ارائه شده است. مقاله پیش رو با بررسی نماز جماعت به عنوان یک عمل جمعی، درصدد شناسایی کارکردها و ظرفیت‌های آن برای نهادینه کردن آموزه‌های حقوق عمومی و بایسته‌های تشکیل و قوام جامعه سیاسی است. در این پژوهش کیفی، سعی شده با مراجعه به متون معتبر روایی و فقهی، گزاره‌های حقوق عمومی با تأکید بر جامعه سیاسی، استنباط و به نحو استقرائی آموزه‌های مؤثر در حوزه حقوق عمومی و نهادینه‌سازی جامعه سیاسی که نماز جماعت آنها را در افراد نهادینه می‌کند، استخراج گردد. تعالیمی مانند ایجاد و تقویت نظم اجتماعی، حفظ هویت فردی در عین اجتماع‌گرایی، نحوه انتخاب رهبر، انعطاف‌پذیری و توجه به وضعیت افراد، ارتقاء بهداشت عمومی، عدم توقف امر عمومی بر شخص واحد، ارتقاء فرهنگ مشارکت اجتماعی، شایسته‌گزینی، مسئولیت‌پذیری فرد منتخب، تقویت همبستگی و دعوت آشکار به نیکی. لذا می‌توان از ظرفیت این عمل عبادی و با تکیه بر موارد پیش‌گفته، جهت دستیابی به یک جامعه سیاسی مطلوب بهره برد.

کلیدواژه: جامعه‌پذیری، جامعه سیاسی، حقوق عمومی، نماز جماعت، نظم اجتماعی،

رهبری

۱. رئیس مرکز پژوهشی مبنا، دکترای حقوق عمومی.

۲. مدرس حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران (پردیس فارابی) - پژوهشگر

مرکز پژوهشی مبنا

مقدمه

یکی از وظایف اصلی حکومت‌ها و مکاتب فکری، حقوقی و سیاسی، طراحی الگویی برای جامعه سازی و جامعه‌پذیر کردن افراد جامعه است. آن‌هم به‌گونه‌ای که افراد طبیعی جامعه به یک شهروند استاندارد و مناسب تبدیل شوند و به سازگاری جمعی برسند. به عبارت بهتر یکی از رسالت‌ها و مأموریت‌های مهمی که یک مکتب فکری باید به آن بپردازد، تبدیل هنرمندانه ساحت فردی به ساحت اجتماعی و انتقال نهادینه‌شده فرد به اجتماع و به اصطلاح طی فرآیند جامعه‌پذیری و جامعه سازی است. از طرف دیگر ایجاد نظام اجتماعی و سیاسی نیاز به تمرین و ممارست جمعی دارد.

در کشورهای غربی برای رسیدن به این هدف، نظریات متعددی ارائه شده است. یکی از اندیشمندانی که به‌طور دقیق به بحث اجتماع‌پذیری پرداخته، هگل است که با مطرح نمودن بحث جامعه مدنی درصدد پاسخ به این نیاز است. وی معتقد است که مسیر اجتماعی شدن انسان‌ها از خانواده شروع می‌شود و با اصناف و گروه‌های مدنی کامل می‌گردد. هگل در بحث چگونگی جامعه‌پذیر شدن افراد بر این باور است که صنف جایی است که به فرد آموزش حرفه‌ای می‌دهد... فرد را درون مجموعه و حتی بیرون از آن اعتبار و ارزش می‌بخشد. از این رو فرد درمی‌یابد که به «کلی» تعلق دارد که می‌بایست هدف خودبینانه‌اش را کم‌تر مورد توجه قرار داده و به آرمان‌های این مجموعه کل بیش‌تر بیندیشد. وی همچنین بر این پندار است که خانواده موجب تضمین آرامش فرد در جامعه مدنی گشته و صنف نیز حیثیت انسان را به وی بازمی‌گرداند. در زعم وی تعلق نداشتن به صنف موجب فزونی بروز تمایلات خودبینانه شده و توجه فرد را از اصول مشترک جامعه مدنی به سوی جنبه‌های خودخواهانه فردی سوق می‌دهد. (هالینگ دیل، ۱۳۸۱، ص ۴۴)

با توجه به این‌که اسلام دین کاملی است و مجموعه آداب و مقرراتی را در جهت سوق دادن جامعه به سمت کمال وضع نموده است و برای ابعاد فردی و اجتماعی، روحی و جسمی، معنوی و مادی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری انسان‌ها برنامه دقیقی دارد، باید انتظار داشت که روش یا روش‌های عملی و کاربردی برای ساخت جامعه و رسیدن به

هدف فوق داشته باشد. به نظر می‌رسد در اسلام روش‌های مختلفی برای جامعه‌پذیری و جامعه‌سازی مورد تأکید قرار گرفته است که یکی از آنها خانواده است که مرتبط با موضوع این مقاله نیست. یکی دیگر از مهم‌ترین روش‌ها برای رسیدن به هدف فوق، برگزاری نماز جماعت و ایجاد فرآیند جمعی عبادی و اجتماعی است.

درواقع هدف علمی مقاله حاضر این است که از نقش نماز جماعت در طراحی جامعه سیاسی و جامعه‌پذیر کردن افراد و همچنین نهادینه شدن برخی آموزه‌های حقوق عمومی در جامعه، شناخت لازم را ارائه کند.

تأکید برای این نکته نیز لازم است که این مقاله در پی آن نیست که بگوید علت دستورات دینی در این زمینه، مواردی است که به آنها اشاره خواهد شد، بلکه این دستورات فارغ از علل تشریح آن که از آن به واسطه توقیفی بودن بی‌خبر هستیم، فواید و آثار مذکور را دارد و به اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیر شدن افراد کمک کرده و در این روند مؤثر است؛ و همین نکته پژوهش حاضر را از تفسیر به رأی جدا می‌کند چراکه آنجا شخصی به دنبال تحمیل فهم خود به جای معانی گوینده است اما این مقاله می‌خواهد به دور از پرداختن به علل تشریح ببیند که چه آثار مفیدی را می‌توان جدای از آثار معنوی و روحی، برای نماز جماعت برآورد نماید.

۱. مبانی نظری

نماز جماعت

نماز، مهم‌ترین فروع و دستورات عمل‌های دینی است، همان‌گونه که در اذان و اقامه، مسلمانان این معنی را با عبارت «حیّ علی خیر العمل»، ده بار در شبانه‌روز آن را یادآوری می‌کنند. این عبادت آن قدر مهم است که روز قیامت، قبولی سایر اعمال خیر را منوط به آن دانسته به‌گونه‌ای که با مردود شمرده شدن آن، سایر اعمال نیز مردود خواهند بود و با پذیرش آن سایر اعمال نیک مورد پذیرش خواهد بود. (الکافی: ۴/۲۶۸/۳). با آنکه نماز به خودی خود دارای مطلوبیت بالایی است ولی باین حال خواندن آنها را با رعایت

برخی از دستورات، نزد شارع مقدس دارای مطلوبیت بیشتری می‌شود؛ مانند نمازخواندن با عطر خوش، مسواک زدن، با طمأنینه انجام دادن و سایر دستوراتی که توسط معصومین علیهم السلام با آن آشنا هستیم. (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۵۹۷) (سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷۵) اما در این میان سفارش به خواندن نماز با جماعت مؤمنین، دارای یک ارزش ویژه است و مطلوبیت آن را به صورت فوق العاده‌ای بالا می‌برد، به نحوی که در بیانات مختلف معصومین علیهم السلام می‌توان شواهد بسیاری را بر آن یافت که از جهت پاداش‌های مرتب بر آن، قابل قیاس با نماز فرادا نیست و در این زمینه در منابع روایی به باب‌هایی با عنوان فضیلت نماز جماعت بر فرادا که محدثین منعقد نموده‌اند و در آن این دسته روایات را جمع‌آوری کرده‌اند برمی‌خوریم. (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۳۱۷)

نماز جماعت نمازی است که به صورت دسته‌جمعی اقامه می‌شود. کسی که در نماز جماعت جلو می‌ایستد و دیگران به او اقتدا می‌کنند، امام جماعت نامیده می‌شود و کسانی را که به او اقتدا می‌کنند، مأموم می‌گویند.^۲ طبق نظر حر عاملی در نماز جماعت، جماعتی از انسان‌ها به صورت منسجم، شانه‌به‌شانه در کنار یکدیگر و بدون ایجاد فاصله‌ای بین هم ایستاده‌اند و صف‌های نماز را منظم نموده‌اند (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۲۳)

خداوند متعال در قرآن کریم به این مهم نیز پرداخته است مثلاً آنجا که قرآن کریم از دستور خداوند به حضرت مریم سلام‌الله علیها حکایت می‌کند مبنی بر اینکه: «یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراكعین» (آل عمران: ۴۳) که طبق یک احتمال به معنای امر به جماعت خواندن نماز به ایشان شده است. (فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص: مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۴۳)

۱. پیامبر اکرم (ص) فرمودند «لا ان اشق علی امتی، لامرتهم بالسواک مع کل صلوه»، «اگر برامت من سخت و دشوار نبود، هر آینه به آنها دستور می‌دادم که با هر نماز مسواک بزنند» در مورد زیاد شدن ثواب نماز با مسواک فرمودند «رکعتین بسواک، احب الی الله - عزوجل - من سبعین رکعه بغیر سواک»؛ «دو رکعت نماز با دندان‌های مسواک زده، نزد خداوند از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک بهتر است».

دقت در نوع امر به نماز در قرآن نیز کاشف از اهمیت جایگاه آن در نظر خداوند متعال دارد؛ بدین صورت که امر به نماز را این‌گونه در قرآن کریم بیان فرموده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلاةَ...» (بقره: ۴۳) یعنی امر به برپا نمودن نماز نموده است که برخی از مفسران معنای آیه را دستوری دانسته‌اند مبنی بر به جماعت خواندن نماز و به این معنی که نه تنها یکایک انسان‌ها باید اهل نماز باشند بلکه در جامعه نیز این آئین باید برپا شود. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۰۹)

و در سیره عملی حضرات معصومین نیز اهتمام به آن را می‌یابیم به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه‌وآله در مکه و در ابتدای بعثت در زمانی که به جز امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و خدیجه کبری سلام‌الله‌علیها یاوری نداشتند، نماز خود را با همراهی آن دو بزرگوار به جماعت در مسجد الحرام و در مرئی و منظر کفار اقامه نمود. (تاریخ طبری، بیروت، دار القاموس الحدیث، ج ۲، ص ۲۱۲). و این مطلبی است که با کمی دقت، می‌تواند کاشف از اهمیت جایگاه این عبادت از دیدگاه اسلام باشد.

مفهوم اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری (moitazilaicoS)

جامعه‌پذیری مفهومی است که برای اولین بار توسط رس (Ross) محقق آمریکایی در قرن نوزدهم به کار رفت (مراد زاده، ۱۳۷۲)، این مفهوم در واقع به معنای همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است. اجتماعی شدن فراگردی است مستمر و مادام‌العمر که به واسطه آن، هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها، فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه، روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. یکی از مقاصد جامعه‌پذیری آموزش قواعد و نظامات اساسی، از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روش‌های علمی، به افراد است. رفتار نامنظم و خلاف قاعده، معمولاً از انگیزه‌های ناگهانی یا محرک‌های ناشی می‌شود. چنین رفتاری، نتایج و خشنودی‌های آتی را در مقابل لذات و رضایت‌مندی‌های آتی و گذرا، نادیده می‌گیرد. برعکس، رفتار مبتنی بر نظم و انضباط، به منظور پذیرش اجتماعی یا

برای دستیابی به یک هدف آتی، خشنودی‌های آنی و گذرا را به تعویق انداخته، آنها را تعدیل و تحدید می‌کند. خلاصه انضباطی که طی فراگرد اجتماعی شدن در رفتار ایجاد می‌شود، ممکن است چنان نافذ و عمیق باشد که حتی اعمال فیزیولوژیکی را تغییر دهد. در جوامع امروز، یادگیری مهارت‌های انتزاعی خواندن و نوشتن و مهارت‌های دشوار دیگر، از راه آموزش و پرورش رسمی، مهم‌ترین وظیفه اجتماعی کردن است.^۱

درواقع، جامعه‌پذیری «فرآیندی است که براساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می‌یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند» (دادستان، ۱۳۸۶: ۱۷۹). از طریق اجتماعی شدن است که فرد شیوه‌های زندگی جامعه خود را فرامی‌گیرد؛ شخصیت لازم را کسب می‌کند و آمادگی رفتار به‌عنوان عضوی از یک جامعه را پیدا می‌کند. به عبارتی جامعه‌پذیری فرآیندی است که فرد طی آن با ارزش‌ها، عقاید، هنجارها، رسوم، آداب و شعائر جامعه خویش آشنا می‌شود و شیوه‌های زندگی اجتماعی را فرامی‌گیرد و به‌عنوان یک عضو جامعه آمادگی عمل را پیدا می‌کند. (زین‌آبادی، ۱۳۸۶، ۵۵) برای اینکه جامعه دارای انسجام و دوامی معقول باشد، باید دارای اجماع و توافق کافی باشد. انسجام و دوام بیشتر جامعه بستگی به میزان جامعه‌پذیری افراد دارد. اگر جامعه عناصر اجتماعی و فرهنگی خود را در مسیر خواسته‌های اجتماعی - اقتصادی افراد جامعه قرار دهد و با نیازهای آنها هم‌گامی کند، آموزش و جامعه‌پذیری افراد به سهولت انجام می‌شود. در غیر این صورت، ناسازگاری‌ها و ناکامی‌ها بروز خواهند کرد و اگر بخواهیم جامعه را همان‌گونه که تالکوت پارسونز (۱۹۰۲-۱۹۷۹) در نظریه «کارکردی-ساختاری» خود در بحث جامعه‌پذیری مطرح نموده است یک سیستم بدانیم که از زیرسیستم‌های کوچک‌تری مانند خانواده و غیر آن تشکیل می‌شود وظیفه سیستم جامعه‌پذیری، آموزش و انتقال ارزش‌ها و هنجارهایی است که وجودشان برای مشروعیت یافتن کل سیستم و سرپا ماندن آن ضروری است.

۱. ر.ک: دانشنامه رشد:

هولینگ شید (Holling Shead) سه اصل اولیه را در اجتماعی شدن هر فرد به شرح زیر اعلام کرده است:

- ۱- فرد، رفتار اجتماعی را در ایجاد رابطه و تأثیرپذیری از دیگران در اجتماع یاد می‌گیرد.
- ۲- فرهنگی که فرد در آن به دنیا آمده و بزرگ می‌شود، مشخص می‌کند که او چه کاری باید فراگیرد و چه عملی از خود نشان دهد.
- ۳- تکامل فراگیری و آموزش پذیری فرد در جامعه زمانی محقق می‌شود که وی بتواند به طور مؤثر در اجتماعی شدن و نقش پذیرفتن در گروه ایفای نقش کند (یاووزار، ۱۳۸۲، ۴۰).

جامعه‌پذیری دارای کارکردها و هدف‌هایی است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- یکی از اهداف و کارکردهای جامعه‌پذیری فرد در جامعه این است که او هنجارها، آداب و رسوم، سنت‌ها، عقاید و رفتارهای جامعه را پذیرفته و به آنها عمل کند تا امکان زندگی اجتماعی فراهم گردد.
- دوم این‌که جامعه‌پذیری به همان میزان که عادات و رفتار فرد را مطابق هنجارهای اجتماعی تحت نظم و انضباط درمی‌آورد، به او امید و آرزو هم می‌دهد.
- از طرف دیگر فراگرد جامعه‌پذیری از طریق برآورده کردن خواسته‌ها، آرزوها، امیدها و سودهای فردی یا ممانعت از دستیابی به آنها، برای فرد هویت می‌آفریند.
- این فراگرد، نقش‌های اجتماعی و نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های مربوط به آن نقش‌ها را به فرد می‌آموزد.
- یکی دیگر از هدف‌های جامعه‌پذیری، آموزش مهارت‌ها به افراد است تا با اکتساب و یادگیری این مهارت‌ها بتوانند در جامعه منشأ اثر واقع شوند (علاقه بند، ۱۳۸۰: ۹۴ و ۹۳).
- به نظر می‌رسد هدف دیگر جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن، قانون پذیر کردن افراد است. در واقع روند قانون‌پذیری از دوره کودکی و طی فرآیند اجتماعی شدن فرد به دست می‌آید که با ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگ عمومی جامعه، ساختارهای عمومی و سازمان افکار و شخصیت افراد مرتبط است.

مفهوم نظم اجتماعی (redro laicos)

بیرو در مورد نظم معتقد است: «نظم به وسیله اطاعت و تبعیت همگان از هنجارها، قوانین و ارزش‌هایی که اساس و قوام جامعه به آنها بستگی دارد حاصل می‌شود و اصولاً نظم در این نگاه، حاصل همان تبعیت و فرمان برداری است. پس نظم می‌تواند اشاره به مشخص بودن همه نهادها و کارکردهای لازم آنها داشته باشد که در راستای حیات و مناسبات اجتماعی شکل گرفته‌اند؛ بنابراین در یک تعریف کلی می‌توان گفت: «نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی کنش‌گران فردی و جمعی است» (حسامی، ۱۳۸۸: ۳۱-۱۲). به اعتقاد تالکوت پارسونز افراد هر جامعه معمولاً دارای هنجارهای اخلاقی مشترکی هستند و انتظار دارند همگی نسبت به این معیارها وفادار بمانند. اگر تمام افراد جامعه این معیارهای اخلاقی مشترک را پذیرفته و آن را حفظ کنند، آن جامعه دارای نظم خواهد شد (محمدی اصل، ۱۳۸۷: ۹۰)؛ بنابراین، برای اینکه جامعه استوار و پایدار بماند باید از نظم اجتماعی برخوردار باشد و نظم اجتماعی نیز مستلزم کنترل اجتماعی است. اینکه چگونه یک جامعه یا گروه اعضای خود را وادار می‌کند تا طبق انتظارات گروه یا جامعه رفتار کنند، این امر از طریق راه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. راه‌های اصلی که جامعه به وسیله آنها کنترل و نظارت بر اعضای خود اعمال کرده و اسباب نظم اجتماعی را فراهم می‌سازد عبارت‌اند از:

- اجتماعی کردن افراد به طوری که آنها بخواهند مطابق انتظارات جامعه رفتار کنند.
- اعمال فشار گروهی بر افراد، به طوری که آنها ناچار شوند تا با گروه هم‌نوایی و سازگاری کنند.
- کنترل از راه اعمال زور و قدرت؛ که اغلب زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که اقدام از دو راه پیشین با مانع یا شکست مواجه شود (علاقه بند، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

در ایجاد نظم اجتماعی چند عامل دخیل هستند که عبارت‌اند از: همبستگی، مشارکت افراد در گروه‌ها و نظام‌های اجتماعی برای رسیدن به منافع مشترک و انسجام اجتماعی و مقاومت در برابر تجزیه و تفکیک. برای تقویت نظم، در متون دینی به مواردی اشاره شده است. از جمله:

- الف- ایمان به خداوند مهم‌ترین اصل و اساسی‌ترین عامل برای تقویت نظم و انضباط اجتماعی است.
- ب- وجود قانون یک ضرورت اجتماعی و اجتناب‌ناپذیر است که هم عامل ایجاد نظم و هم حافظ نظم اجتماعی و توسعه آن است.
- پ- برای برقراری نظم اجتماعی و اجرای قانون، باید حکومت و حاکمیت تشکیل شود تا بتواند ضامن و مجری قانون و مقررات باشد.
- ت- امنیت اجتماعی باید برقرار شود؛ زیرا بدون امنیت، تعاملات مختلف اجتماعی سمت‌وسوی دیگری به خود خواهد گرفت.
- ث- تشکیل خانواده و تحکیم مبانی و اصول آن یکی دیگر از راه‌های ایجاد نظم در جامعه است.
- ج- اجتماعی شدن اعضای جامعه که توسط نهادهای اجتماعی هم چون خانواده و آموزش و پرورش صورت می‌گیرد.
- چ- پای بندی به عهد و پیمان یکی دیگر از عوامل نظم اجتماعی است و اگر عدم اعتماد عمومی نسبت به توافق‌ها به وجود بیاید، این امر موجب ایجاد هرج و مرج و بی‌نظمی خواهد شد.
- خ- رعایت اعتدال در امور، یکی دیگر از عوامل مؤثر در برقراری نظم اجتماعی است که باید در تمام زمینه‌ها لحاظ شود.
- د- فقرزدایی از طریق مالیات‌های شرعی و دینی و پرداخت‌های واجب و مستحب مثل خمس و زکات.
- ذ- برگزاری مناسک عبادی و دینی به شکل جمعی و منظم.
- ر- تقویت نظام کنترل اجتماعی از طریق سازوکارهایی مانند زندان و استفاده از مجازات و تنبیه برای پیشگیری از انحرافات.
- ز- برقراری عدالت اجتماعی در جامعه و توزیع عادلانه امتیازها و فرصت‌ها.
- ژ- تقویت سازمان‌ها و مؤسسات دینی به منظور اشاعه آموزه‌های دینی به افراد جامعه.
- س- ممانعت از ایجاد تسلط و سلطه بیگانگان بر مسلمانان.

ش- ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی از طریق روابط خانوادگی و خویشاوندی.
 ص- هر چه میزان پای بندی اعضای جامعه به قواعد و الگوهای هم چون: امر به معروف و نهی از منکر بیش تر باشد، باعث ایجاد یا افزایش نظم اجتماعی می شود (حسامی، ۱۳۸۸: ۳۱-۱۲).

مختصات جامعه سیاسی

جامعه سیاسی متکامل ترین و پیشرفته ترین نوع جامعه محسوب می شود و ویژگی اصلی آن وجود قدرت سیاسی است که به طریق پیچیده سازمان یافته و بر همه افراد، اشخاص و گروه های جامعه اعمال می شود. وقتی جامعه باگسترش شکل طبقه بندی روابط و انسجام سیاسی، شکل پیچیده تری به خود می گیرد تا بتواند پیچیدگی پیشرفت اجتماعی را سامان بخشد و در غایت، قدرت سیاسی را در جامعه پیاده کند، جامعه سیاسی محقق شده است که دارای ویژگی های ذیل است: اولاً: اعضای تشکیل دهنده جامعه سیاسی نسبت به کلیت آن جامعه احساس تعلق بکنند. ثانیاً: جامعه باید به درجه ای از یکپارچگی و استقلال برسد که بتواند در برابر دنیای خارج به صورت یک کلیت متمایز جلوه کند (استقلال). ثالثاً: قدرت موجود در جامعه سیاسی از نوع سیاسی باشد. رابعاً: سازمان بندی جامعه از حالت ابتدایی و شخصی خارج شده و به مرحله بلوغ و انسجام و تکامل رسیده باشد. خامساً: نظم هنجاری مستقر در جامعه از خصلت حقوقی برخوردار باشد. (قاضی، ابوالفضل، ۱۳۹۶، ص ۲۲)

کارکردهای نماز جماعت در جامعه پذیری و قوام جامعه سیاسی

با توجه به مفاهیم پیش گفته اکنون با مراجعه به منابع دینی و با بهره گیری از آیات قرآن کریم و روایات و بررسی آنها در حد توان سعی بر آن داریم که نقش نماز جماعت را به عنوان یک روش برای جامعه پذیر شدن افراد و برقراری نظم اجتماعی و همچنین قوام جامعه سیاسی مورد مطالعه قرار دهیم.

پس از بررسی آیات کریمه و تفاسیر شیعه و همچنین جستجوی کتاب های روایی معتبر

شیعه به نحوی که در این مطالعات سعی شد موردی، در میان منابع معتبر و معروف باقی نماند که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته باشد، تلاش شد مفاهیم و آموزه‌های حقوق عمومی زیر را که در یکی از مناسک جمعی با عنوان نماز جماعت وجود دارد و به جامعه‌پذیری و نهادینه کردن جامعه سیاسی کمک می‌کند، استخراج گردد. به عبارت دیگر سعی شده است که به آثار و نمادهایی که در نماز جماعت در زمینه حقوق عمومی وجود دارند و عمدتاً منجر به اجتماع‌پذیری و مقدمه‌ای بر تشکیل جامعه سیاسی می‌گردد اشاره شود. البته این عناوین به نحو استقراء گردآوری شده‌اند و نه حصر عقلی و لذا ممکن است با تأمل در زوایای دیگر مسئله یا دست‌یابی به منابع دیگر مواردی به آنها اضافه گردد که بر نگارندگان پوشیده مانده باشد.

ایجاد و تقویت نظم و انضباط اجتماعی

یکی از مفاهیمی که در نماز جماعت با توجه به تعالیم دینی می‌توان مشاهده نمود، اهتمام به نظم و انضباط در این عبادت جمعی است، به گونه‌ای که عدم رعایت آن به صورت مطلق ناپسند و مذموم است و حتی در برخی حالات منجر به عدم صحت نماز جماعت می‌گردد. (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۱۰)

در روایات آمده است که حضرات معصومین علیهم‌السلام دستور به ایستادن در جایگاهی خاص داده‌اند. مثلاً در روایتی، احمد بن رباط که یکی از راویان است از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد که اگر یک نفر امام جماعت باشد و یک نفر هم مأموم چرا شما دستور می‌دهید که وی باید در سمت راست امام مستقر گردد؟ حضرت در پاسخ وی می‌فرماید که از آنجاکه خداوند مطیعان را «اصحاب یمین» قرار داده است و در این نوع از عبادت نیز، مأموم تابع و مطیع امام جماعت است، لذا وی باید در سمت راست امام مستقر گردد. (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۲۵؛ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۹۶). مشاهده می‌شود که حفظ یک وضعیت خاص و یک نوع نظم شکلی مورد تأکید است هرچند علت رعایت آن نظم را حضرت تناسب آن با یک معنای معنوی معرفی می‌کند اما راه رسیدن به آن، رعایت نظم شکلی خاص است.

همچنان که در تعریف نماز جماعت همین نظم‌پذیری مورد تأکید قرار گرفته است؛ و تأکید شده است که جماعتی از انسان‌ها که به صورت منسجم، شانه‌به‌شانه در کنار یکدیگر و بدون ایجاد فاصله‌ای بین هم ایستاده‌اند و صف‌های نماز را منظم نموده‌اند (حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۲۳)، نمازگزارانی که با الزامی قانونی باید هماهنگ و به تبعیت از رهبری واحد به هدف خود برسند و در صورت تخطی از این نظم مثلاً با تقدم عمدی در انجام افعال از جماعت خارج می‌شوند و نخواهند توانست به مطلوب برسند، تصویری است که روایات برای ما از یک نماز جماعت مطلوب خداوند متعال رسم می‌کند. تصویری که ملامال است از نظم در یک کار جمعی که هم یکایک افراد به تنهایی باید در وضعیتی خاص قرار بگیرند مثلاً با رعایت فاصله معین و هم این اجتماع به مثابه یک واحد و ماهیت مستقل باید در وضعیت و نظم خاصی قرار داشته باشند مثلاً در اینکه این واحد، رو به جهتی معین و هماهنگ در این عمل با یکدیگر عمل کنند؛ البته این نظم ممکن است از همان ابتدا ایجاد گردد و یا ممکن است به تدریج و پس از آغاز نماز صورت گیرد. اگرچه با توجه به روایات موجود که به حضور از ابتدای آغاز نماز و درک نمودن تکبیره الاحرام امام جماعت تأکید دارند (مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۵، ص ۱۵) مطلوب شرع مقدس، شکل‌گیری نظم از ابتدا است.

یکی دیگر از جلوه‌های نظم بخشی یک عمل، معین بودن وقت آن است که در نماز جماعت، وقت تعیین شده، به جلوه‌های نظم آفرینی آن می‌افزاید.

نهادینه‌سازی قانون‌پذیری و اطاعت‌پذیری

یکی از احکام این عبادت، تبعیت نمودن از امام جماعت است. به این معنا که مأمومین باید در افعال نماز همواره از وی تبعیت کنند به این صورت که حق تقدم بر او مثلاً در رکوع رفتن را ندارند و همچنین در سایر افعال نماز مثل سجده رفتن به نحوی که حتی اگر مأموم به صورت سهوی زودتر از امام، اقدام بر فعلی نمود، در این حالت وی موظف است که اگر احتمال می‌دهد که می‌تواند برگردد امام را در آن حال درک کند و با وی در یک وضعیت قرار بگیرد، موظف است این کار را بکند و سپس دوباره این فعلی که در آن زودتر از

امام اقدام به آن کرده بود را این دفعه به تبعیت و همراهی از امام جماعت انجام دهد و لو اینکه آن عمل، رکن باشد و مستلزم این باشد که دوبار انجام شود، یعنی حالتی رخ دهد که به خودی خود و با صرف نظر از این استثناء ذکر شده، سبب بطلان نماز می شود.

(www.sistani.org/downloads/books_23_sistani.org.html)

نتیجه اینکه خواه ناخواه نمازگزار با تکرار این عمل و تمرین مکرر آن، مفهومی به نام قانون پذیری و اطاعت پذیری را می آموزد.

حفظ و احترام به شخصیت و هویت فردی در عین اجتماع گرایی

نماز جماعت هرچند که متقوم به اجتماع افراد است و بدون آن تحقق پیدا نمی کند ولی این به معنای این نیست که شخصیت حقیقی فرد مشارکت کننده در این امر اجتماعی نادیده گرفته شود و وجود او در تحقق این عبادت به عنوان یک جزء شکلی و صوری پیش بینی شده باشد. بلکه برای او وظایف مختلفی در نظر گرفته شده است که او را همان گونه که اگر به تنهایی می خواست نماز بخواند، یک شخصیت فعال و مؤثر در محقق مطلوب به حساب می آورد و رسیدن به آثار نماز جماعت را بدون مشارکت مؤثر وی ناممکن می داند؛ وظایفی مانند تمامی افعال نماز مانند قیام، رکوع، سجود و غالب اذکار نماز مانند ذکرهای رکوع و سجود.

لذاست که می بینیم در عین اینکه دستور به اجتماع می دهد و رسیدن به آثار آن را بدون حضور اجتماعی ناممکن می داند ولی شخصیت حقیقی و هویت فردی او را نادید نمی گیرد و برای او در راه وصول به این مهم وظایفی در نظر می گیرد از جمله اینکه آنان را ناظر بر حسن انجام عمل و اگذار شده به امام جماعت می داند و دستور می دهد که همواره افرادی پشت سر امام قرار داشته باشند که به تعبیر روایت «أهل حلم» و «أهل نُهی» یعنی عقل باشند تا در صورت بروز خطایی از امام جماعت یا نقص دیگری، وی را یاری دهند (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۰۵) یا مثلاً در صورت شک نمودن، وی بتواند با تکیه بر اعتقاد مأمومین به شک خود اعتنا نکند و ملاک را همان نظر مأمومین بگذارد و نماز را بر اساس آن ادامه دهد.

(<https://www.sistani.org/persian/book/50/57/>)

انتخاب امام و رهبر

یکی از جلوه‌های اجتماعی بودن این عبادت جمعی در مقدم نمودن یک شخص به عنوان رهبر در این امر است که در ادبیات دینی او را با عنوان «امام جماعت» و افراد انتخاب‌گر و تابع وی در این عبادت را «مأموم» می‌شناسیم. نفس انتخاب کردن نشان‌دهنده احترام و معتبر بودن آراء افرادی است که در یک عمل مشارکت دارند و نفع و ضرر آن عمل در صورت انجام صحیح یا غلط آن کار، متوجه آنها می‌شود.

برای امام جماعت شرایطی در نظر گرفته شده است که در این نوشتار به آنها نیز خواهیم پرداخت؛ اما آنچه اکنون می‌خواهیم به آن پردازیم این جهت است که تشخیص وجود این شرایط به عهده همین افراد شرکت‌کننده در این امر جمعی یعنی مأمومین است. همان‌ها هستند که یک شخص می‌تواند به واسطه انتخاب آنها عهده‌دار این امر گردد. به عبارتی دیگر امام و مأموم دو مفهوم «متضایف» منطقی هستند که هیچ‌کدام از آنها به تنهایی قابل تحقق نیستند مثل مفهوم علت و معلول که بدون معلول عنوان علت بر کسی صدق نمی‌کند و بدون وجود علت، عنوان معلول بر چیزی قابل صدق نیست، با این دقت که فعل علت و کاری که او انجام می‌دهد است که عنوان علیت و معلولیت را محقق می‌کند و در بحث ما نیز این انتخاب افراد است که محقق‌کننده عنوان «امام» برای رهبر این امر و عنوان «مأموم» برای نمازگزاران حاضر در نماز جماعت.

و لذاست که می‌بینیم در کنار بر شمردن شرایط معین برای امام جماعت، مأموم را نیز مورد خطاب قرار داده و او را مکلف به انتخاب فرد شایسته می‌داند و وی را از برگزیدن کسی که اهلیت این مقام را ندارد، بر حذر می‌دارد. (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۲۶؛ ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۸) مثلاً نمازگزاران را از نماز خواندن جز پشت سر شخصی که اطمینان از دین‌داری و امین بودن او دارند بر حذر می‌دارد (طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۶۶). چراکه مأموم می‌خواهد وظیفه‌ای را بر عهده کسی بگذارد که بدون دقت نمودن در برگزیدن فرد شایسته آن هدف محقق نمی‌شود و همین معنا را شیخ صدوق از ابوذر غفاری این‌گونه نقل می‌کند که ایشان فرموده امام جماعت «شفیع» انسان نزد

خداوند است و لذاست که باید در انتخاب او دقت نمود و از برگزیدن انسان سفیه و فاسق پرهیز کرد. (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۲۶)

این مقرر در واقع ممارستی است برای مردم تا نسبت به انتخاب رهبر جامعه اسلامی، دقت لازم را داشته باشند و بدین ترتیب می‌آموزند که به طریق اولی برای رهبریت جامعه باید شرایط دقیق‌تری را مدنظر قرار دهند و از پیروی کردن اشخاص فاقد شرایط و ناشایست پرهیز نمایند.

انعطاف‌پذیری و رعایت حال مردم

یکی از مهم‌ترین اموری که در یک کار گروهی باید در نظر گرفت این است که حقوق و تکالیف در نظر گرفته شده توسط مقتن باید متناسب با افراد حاضر در آن عمل باشد. از آنجاکه در این عبادت جمعی ممکن است همانند افراد جوان و افراد برخوردار از سلامت جسمی کامل، اشخاص سالخورده و نیز افرادی که از سلامت جسمی کامل برخوردار نیستند نیز شرکت نمایند، لذا می‌بینیم این نکته هم در سیره عملی و هم در مقام سفارش از سوی معصومین علیهم‌السلام وجود دارد که در این عبادت، باید رعایت حال ضعیف‌ترین افراد در نظر گرفته شود (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۹۰) پس امام جماعت نباید توانایی شخصی خود یا افرادی را که ممکن است نماز را به صورت طولانی مایل باشند انجام دهند، معیار قرار بدهد، بلکه برعکس آن، حال ضعیف‌ترین افراد، در اینجا میزان و معیار است.

در معنای ضعف نیز با توجه به سیره معصومین علیهم‌السلام باید دقت نمود که تنها شامل افراد نمازگزار که توانایی آنها از دیگران کمتر است نمی‌گردد، بلکه گاهی ممکن است فردی که حتی مشغول نماز نیست ولی کوتاه یا طولانی شدن نماز جماعت، وی را به خاطر ضعف و ناتوانی اش تحت تأثیر قرار دهد نیز می‌شود. لذاست که پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه با کوتاه نمودن نماز خود به‌گونه‌ای که اصحاب را به سؤال از پیامبر برانگیخت که آیا در نماز اتفاقی افتاد (مثلاً وحی‌ای نازل شد) که شما نماز را کوتاه نمودید؟ حضرت فرمود مگر شما صدای ناله و گریه آن کودک را نشنیدید؟! (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۱۹) گو اینکه

آن کودک نیز خود یکی از نمازگزاران به حساب آمده چراکه این عمل اجتماعی همان گونه که شخص ضعیف نمازگزار را تحت تأثیر قرار می دهد وی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد و لذا در این جهت فرقی با آنان نمی کند لذا باید حال او را نیز در نظر گرفت.

ارتقاء بهداشت عمومی، رعایت بهداشت و حسن ظاهر

بهداشت عمومی یکی از ابعاد مهم نظم عمومی است که تحت عنوان پلیس اداری دولت ها موظف به تأمین آن هستند. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴: ۷۴) از آنجاکه هر یک از افراد حاضر در نماز جماعت باید بر عملشان عنوان نماز صدق نماید و لذا شرایط آن را رعایت باید بکنند و همچنین با توجه به تأکیدهای فراوان در روایات به نحوی که با نگاه به آنها درمی یابیم که مفروض، انعقاد جماعت در مسجد است و همان جاست که محل انعقاد نماز جماعت باید باشد نه جای دیگر همان گونه که هم سیره مسلمانان نشان دهنده آن است و نیز فرمایشات متعدد معصومین علیهم السلام مؤید این مطلب است، (رج: حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۹) مگر در شرایط خاص مثل در دسترس نبودن مسجد و امثال آن، لذا می گوییم که نماز جماعت به صورت مضاعف دارای تأکید بر مراعات طهارت و پاکیزگی و آراستگی است توضیح اینکه نماز جماعت جامع دو عنوان نماز و رفتن به مسجد است فلذا سفارش های مربوط به رعایت طهارت باطنی مثل غسل که مستلزم پاکیزه کردن بدن از پلیدی های ظاهری هم هست و دستور به استفاده از عطر و بیان آثار مترتب بر آن که نشان دهنده میزان مطلوبیت آن در نماز است (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۱۹۲) و سفارش به آلوده نکردن مسجد حتی به اشیاء غیر نجس مانند آب دهان (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۸) و نگاه کردن به کفش های خود پیش از ورود به مسجد که حامل نجاست نباشند (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۲۹) یا اینکه در صورت مشاهده نجاست در مسجد می بایست مسجد را از آن پاک نمود (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۲۹) از جمله مواردی است که نمازگزار به جماعت را نیز به واسطه عناوینی که گذشت، شامل می شوند.

در این زمینه دقت در آیه مبارکه «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کُلُوا و اشربُوا

وَلَا تُشْرِكُوا إِلَهَهُ لَا يُحِبُّ الْمُشْرِكِينَ» (اعراف: ۳۱) نیز باید بکنیم که دستور به آراستگی هنگام رفتن به مساجد داده است. این آیه دستور به آراسته نمودن هم می‌تواند شامل آراستگی ظاهری مانند شانه کردن و پوشیدن لباس‌های پاکیزه و غیر آن باشد و هم می‌تواند شامل زینت‌های اخلاقی و صفات انسانی باشد. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴۸) لذا همان‌گونه که عمل زشت برخی از اعراب دوران جاهلیت را به سبب عربیان و برهنه به طواف خانه خدا رفتن را نکوهش می‌کند، همچنین اندرزی است برای سایر مسلمانان که با لباس‌های کثیف و مندرس بخواهند در مراسم عبادی شرکت نمایند. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴۸)

و لذا هر یک از افراد به واسطه رعایت وظیفه خود در این زمینه، یک اجتماع به دور از پلیدی‌ها و متصف به پاکی و پاکیزی را شکل می‌دهند که خود از بهترین راه‌های نهادینه کردن بهداشت، پاکی و آراستگی در جامعه است. همین تمرین مکرر که در شبانه‌روز چندین بار انجام گیرد، به نهادینه شدن فرهنگ بهداشت عمومی منجر می‌شود.

قائم به فرد نبودن امر عمومی

یکی از چیزهایی که در نماز جماعت مطلوب است، استقرار یک شخص دارای اهلیت امامت جماعت، پشت سر امام است. دلیل این کار نیز این است که در صورت بروز مانعی که امام جماعت را از ادامه نماز باز می‌دارد، آن شخص با کمی پیش رفتن از صف اول، نماز را ادامه دهد و نماز از جماعت بودن به فرادا مبدل نشود. (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۸)

این به معنای پیش‌بینی راهی است برای اینکه این کار جمعی در صورت مواجه شدن با یک مشکل که اتفاقاً برای رهبر آنها پیش آمده و مانع از رسیدن به غایت آنهاست، خود را مواجه با بن‌بست نیابند و عبادت جمعی آغاز شده را از رهگذر این راه‌حل پیش‌بینی شده بتوانند به سرانجام برسانند و به بیانی دیگر نشان می‌دهد که این فعل جمعی قائم به فرد خاص نیست.

ارتقاء فرهنگ مشارکت سیاسی و اجتماعی

بی‌تردید دیدگاه اسلام این است که نماز جماعت‌ها باید با مشارکت حداکثری همراه باشد به نحوی که می‌بینیم نماز جماعت با دستورالعمل خاص برای مجاهدان در نظر گرفته شده است و در اهمیت شرکت در آن فرمایش‌های مختلف از حضرات صادر شده است از جمله اینکه امام صادق علیه‌السلام یکی از نصیحت‌های لقمان به فرزندش را این‌گونه نقل می‌فرمایند که ایشان به فرزند خویش فرمودند که نماز جماعت را ترک نکن حتی بر روی سرنیزه‌ها (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۷۶۹) که کنایه از جنگ و حالت اضطراری است؛ در سیره عملی حضرات معصومین نیز شواهد بر اهتمام به ترک نشدن نماز جماعت بسیار است حتی در حالت‌های غیرعادی از جمله نماز جماعت ظهر عاشورای امام حسین علیه‌السلام. (شیخ مفید، محمد بن محمد، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۰۵)

در مقابل نیز شرکت نکردن در نماز جماعت همراه با سایر مسلمانان را به دلیل بی‌رغبتی به آن، بسیار مذموم شمرده‌اند به نحوی که حتی از نماز فرادایی که به این دلیل خوانده می‌شود، نفی نماز بودن نموده است (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۸۵) که این نوع تعبیر برای مبالغه در نشان دادن عدم مطلوبیت آن نزد شارع مقدس دارد یعنی در عین اینکه صحیح و مسقط تکلیف از مکلف است ولی آثار مطلوب را نخواهد داشت؛ از این روست که می‌بینیم که سیره حضرت رسول صلوات‌الله‌علیه این بوده است که در صورت غیبت نمازگزاری از نماز جماعت، ایشان پیگیر حال او می‌شدند و از علت غیبت او می‌پرسید و غیبت در این امر را به بهانه‌های غیر مقبول مورد مذمت قرار می‌داد. (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۹۴)

در برخی روایات علت تشریح نماز جماعت را این دانسته است که ایمان و توحید و اخلاص و عبادت خداوند متعال تنها و تنها می‌بایست به صورت آشکارا باشد و آن را وسیله‌ای برای فاش نمودن ایمان و تمییز دهنده مؤمن از منافق برشمرده است و لذا اماره بر عدالت افراد خواهد بود و بدین سبب امکان شهادت دادن در دادگاه که مشروط به عدالت افراد است فراهم گردد. (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، صص ۲۸۷ و ۲۹۳) که این نتایج

نشان دهنده دلیل اصرار حضرات معصومین بر مشارکت در این عبادت می‌کند.

توجه به این نکته هم لازم است که همان‌گونه که مسلمانان را به مشارکت فرامی‌خواند و حضور آنها را از ابتدا همان‌گونه که گذشت، حالت مطلوب معرفی می‌کند اما باین حال راه را نبسته و در صورت تأخیر، آنان را محروم نمی‌داند و امکان ملحق شدن به نماز را برای آنان، مجاز دانسته است؛ در مقابل نیز امام جماعت را سفارش به صبر و انتظار می‌کند تا اینکه شخصی که در اواسط نماز رسیده است و قصد ملحق شدن دارد بتواند ملحق گردد.

یکی از دلایل تشویق به مشارکت مؤمنین این است که این مشارکت حداکثری، نشان دهنده وحدت و اتحاد جبهه مؤمنین در صف‌آرایی در مقابل منافقین است و در جبهه مقابل اثر سوء و منفی خواهد داشت به‌گونه‌ای که از آن سنگین‌تر چیزی را بر خود احساس نمی‌کنند. (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۹۴) و این نکته بسیار مهمی است که نباید از آن غفلت نمود. چنین تأثیری در صورت اهتمام مسلمانان به این عمل عبادی، یک اثر سیاسی مثبت را که همان حفظ امنیت جامعه مسلمانان است، در پی خواهد داشت. همچنین مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی به صورت یک فرهنگ غیرقابل انکار نهادینه خواهد شد.

شایسته‌گزینی و گماردن شخص دارای اهلیت بر کار

همه مسلمانان موظف هستند به اقامه نماز چه دارای صفات نیک مانند عدالت باشند یا نباشند و امام جماعت نیز از آن جهت که نمازگزار است چه متصف به این اوصاف باشد یا نباشد، می‌تواند نماز خود را بخواند اما از آن جهت که نمازگزاری است که می‌خواهد متصف به صفت رهبری و امامت بشود، از یک شخصیت حقیقی تغییر وضعیت داده و می‌بایست شرایط متناسب با این جایگاه را داشته باشد و الا تصدی آن بدون این شرایط برای او جایز نخواهد بود. شرایطی مناسب با تصدی یک جایگاه دینی و معنوی، از جمله عدالت، عقل، حلال‌زادگی و دیگر صفاتی که در منابع مختلف روایی و فقهی ذکر گردیده است. (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۲۱)

این در حالی است که امام جماعت به تنهایی اگر می‌خواست نماز بخواند و عنوان امامت را نداشته باشد، انصاف به تمامی این صفات برای او لازم نمی‌بود و با انصاف به برخی از آنها مثل صحت انجام وظایف نماز، عمل عبادی وی صحیح می‌بود و این نشان‌دهنده تفاوت بین حالت انفرادی با وضعیتی است که همان انسان در مقام تصدی یک عنوان قرار می‌گیرد چراکه شرایط و لوازم آن نیز به همین سبب متفاوت می‌گردد و اینجا شخص عهده‌دار عبادت دیگران نیز می‌شود و لذا باید از اهلیت کافی برخوردار باشد.

در روایات می‌بینیم این مطلب مورد تأکید قرار گرفته است که مؤمنان در صورت وجود داشتن یک شخص دیگر که آن عمل را بهتر از آنها می‌تواند انجام دهد و اهلیت او برای این کار از آنان بیشتر است، حق تصدی آن عمل را ندارند. (طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۶) و به صورت اختصاصی نسبت به نماز جماعت نیز، همین نظر را دارد و همان‌گونه که گذشت، شخصی را که دارای اهلیت نیست شایسته انتخاب ندانسته است و بلکه بین افراد دارای اهلیت نیز، اشخاص دارای فضایل بیشتر را با مشخص نمودن آن فضایل مانند بهتر قرائت نمودن، به مؤمنین سفارش می‌کند وی را مقدم نمایند. این مطلب نشان‌دهنده اهتمام دین به تصدی صالح‌ترین‌ها است و صرف داشتن حداقل‌ها با وجود یک فرد شایسته‌تر، مجوز امامت و رهبری برای او نیست چراکه لزوم تقدیم «مفضول بر فاضل» لازم می‌آید که عقلاً قبیح و ناپسند است.

مسئولیت صاحب منصب در برابر انتخاب‌کنندگان

امام جماعت شدن یعنی پذیرش یک مسئولیت که به صرف انجام صحیح افعال و ادکاری که بر عهده اوست، نمی‌توان گفت وظیفه خود را درست انجام داده است؛ توضیح اینکه علاوه بر صحت اعمال، می‌بینیم وظایف دیگری را برای امام برمی‌شمرد مثلاً حضرت رسول صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید که اگر شخصی با اذن و اجازه تعدادی از انسان‌ها امامت آنها را به عهده بگیرد و آنها از وی راضی باشند و با میانه‌روی و اقتصاد نسبت به آنها این عمل را انجام دهد همانند ثواب آنها را خواهد برد اما در غیر این صورت وی را همانند یک سلطان ظالم می‌داند که با مردم خود به عدالت رفتار نمی‌کند. (ابن بابویه، محمد

بن علی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۷) در روایت دیگری می‌بینیم که اگر امام جماعت فقط برای خویش دعا کند به مأمومین خیانت کرده است. (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۲۵)

این قبیل دستورات نشان‌دهنده یک امر است و آن القاء نگاهی مسئولانه به امام جماعت نسبت به این جایگاه است که باید به‌درستی از عهده آن خارج گردد.

تقویت تعاون، وحدت و همبستگی اجتماعی

یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده یک جامعه، احساس تعلق افراد به یکدیگر است و لذا جوامع مختلف با استفاده از راهکارهای گوناگون مثل یادآوری تاریخ و نژاد و فرهنگ مشترک به افراد جامعه خویش، سعی در تقویت روحیه هم‌بستگی در درون خود هستند و الا بدون آن نمی‌توان صرف یک اجتماع انسانی را یک جامعه دانست.

اسلام همواره با استفاده از راه‌های گوناگون از جمله ایجاد علقه برادری بین مؤمنین (حجرات: ۱۰) یا توصیه مؤکد به رعایت حقوق اصناف مختلف، سعی در تقویت همبستگی اجتماعی بین آنان دارد؛ مانند تأکید به رعایت حقوق همسایگان به‌گونه‌ای که مسلمانان از این سفارش‌ها، گمان آن داشتند که پیغمبر اکرم صلوات‌الله‌علیه برای همسایه همانند خویشان سهم‌الارث قائل خواهد شد، (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳، ص ۴۵۴) و جالب است اگر به این مطلب دقت نماییم که در برخی روایات، همسایگی را تا چهل خانه اطراف منزل از تمام جهات می‌داند (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۷۶۲) و این یعنی یک مساحت بسیار زیاد که دین مبین این تعداد افراد را به شدت به هم مربوط می‌داند و سیر خوابیدن انسان در حالی که همسایه وی شب را گرسنه سر بر بالین بگذارد، پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه مسلمان نمی‌دانند. (طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۰) طبق برخی روایات، جامعه اسلامی آن قدر باید به هم تنیده باشد که اگر مؤمنی نیازمند پول بود، بتواند بدون حضور برادر مؤمنش و اجازه گرفتن از وی، از مال وی بردارد.^۱

۱. اذا قام القائم جائت المزماله و يأتي الرجل الي كيس اخيه فيأخذ حاجته لايمنعه. (معجم احاديث الامام المهدي،

موسسه معارف اسلامی، نشر جمکران، قم، بی‌تا)

همین رویکرد را دین مبین اسلام در نماز جماعت نیز دارد به این معنی که در کنار سایر آثاری که بر آن مترتب می‌نماید، یکی از اهداف و کارکردهایش را دستیابی به انسجام و به وحدت رسیدن جمعیت مسلمانان می‌داند. لذاست که امام رضا علیه السلام در فرمایشی به فضل بن شاذان یکی از راویان به نام آن عصر پس از شمردن چند اثر اجتماعی برای نماز جماعت مانند علنی نمودن توحید و مشخص شدن منافقین، می‌فرماید که یکی از آثار نماز جماعت، همکاری بر نیکی و کمک به همدیگر در تقوا است. (مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۵، ص ۱۲) لذا حضرت یکی از کارکردهای این اجتماع را یاری به یکدیگر می‌داند و میدانیم اثر مستقیم دستگیری افراد یک جامعه از یکدیگر، اثری به جز متحد نمودن افراد و تقویت کردن روابط بین آنها ندارد.

نکته‌ای را که در مورد نحوه تنظیم صفوف در ذیل عنوان ایجاد و تقویت نظم و انضباط اجتماعی به عنوان یک کارکرد نماز جماعت بیان نمودیم و دستور به منظم نمودن صف‌ها و شانه‌به‌شانه همدیگر ایستادن، نمایشگر آن است، از نگاه روایات، آثار دیگری نیز دارد از جمله اینکه سبب نزدیکی قلب‌ها به یکدیگر و تألیف بین قلوب مؤمنین می‌شود. (طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۱۴) در روایات دیگر نیز به جنبه‌ای دیگر از علت این سفارش دینی در نماز جماعت می‌پردازد و علت لزوم شانه‌به‌شانه ایستادن را ممانعت از تخلخل شیطان بین مسلمانان دانسته است. (حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۴۲۳) و می‌دانیم تخلخل شیطان و راه‌یابی آن، نتیجه‌اش ایجاد تفرقه و دشمنی بین مؤمنین است همان هدفی که وی از طریق امور مختلف مانند ترغیب به شرب خمر و قمار در صدد تحقق آن است. (المائده: ۹۱)

اضافه می‌شود که آن قدر این همبستگی اهمیت دارد که اگر عملی ولو در قالب انجام نماز واجب به صورت مطلوب آن یعنی در مسجد هم باشد ولی این نماز اگر متصف به عناوینی مانند تضعیف نماز جماعت یا بی‌احترامی به امام جماعت باشد، آن نماز را برخی از فقها جایز نمی‌دانند (استفتاء leader.ir: ۵۵۵): البته حتی اگر این عناوین هیچ‌کدام هم موجود نباشند باز هم چون نماز به جماعت خواندن سبب افزایش عظمت نماز جماعت برپا شده می‌شود و در نتیجه آثاری را که بر مشارکت حداکثری مترتب دانستیم، انسان باید

نماز جماعت را مقدم کند؛ در نتیجه این عبادت جمعی، خواه ناخواه و مخصوصاً در صورت رعایت کامل رعایت دستورات و سفارش‌های دین مبین در این خصوص، به افزایش همبستگی منجر می‌شود؛ چراکه ملاقات هر روزه و چندباره مسلمانان با یکدیگر مکرراً در طول شبانه‌روز به صورت چهره به چهره و به صورت هر روزه، با افرادی که طبق تعالیم دینی برادران آنها هستند در خانه خداوند رحیم برای امری الهی و معنوی و جلب رضایت او، نمی‌تواند اثری به جز همبستگی افراد جامعه اسلامی داشته باشد.

دعوت عملی و آشکار به امر خیر در جامعه

عمل یک فرد، به تنهایی در محیط اجتماعی دارای اثر است و نمی‌توان مثلاً برخورد پسندیده یا ناپسند یک نفر را بدون اثر بر دیگر افراد دانست. این اثربخشی در صورتی که آن فعل از جمعی از انسان‌ها صادر گردد، برای جامعه بیشتر قابل احساس است.

نماز جماعت یعنی عملی که در روز چند مرتبه در اوقات مختلف توسط جماعتی از انسان‌ها برگزار می‌گردد، در جامعه، پیام‌آور خیر، نیکی، عبادت خداوند و معنویت برای جامعه است، از راه اذان گفتن و اعلان آن که از ابتدا تا انتها دعوت به اصول و فروع دین است و همین‌طور است گرویدن نمازگزاران و حرکت پی‌درپی آنها به سوی مسجد و دست کشیدن از امور دیگر، چیزی جز امر به معروف عملی نیست که پیشوایان ما فرموده‌اند مردم را به غیر از گفتار به سوی خیر بخوانید تا مردم از شما پرهیزکاری و نماز و نیکی را ببینند چراکه همین‌ها دعوت‌کننده هستند. (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۰۲) و رسیدن به آثاری از نماز که در گرو جماعت خواندن آن است و با عزلت‌گزینی و تفرد حاصل نمی‌گردد را به دیگران تذکر می‌دهند؛ و این یعنی تبلیغ عملی شرکت در یک اجتماع هدفمند برای رسیدن به هدفی معین.

نتیجه‌گیری

با توجه به منابع و ادله شرعی مذکور می‌توان گفت که نماز جماعت جدا از آثار معنوی فوق‌العاده‌ای که خداوند متعال برای نمازگزاران در نظر گرفته است، نقش مهمی در تقویت

جامعه‌پذیری مردم، نظم اجتماعی و به تبع آن قوام جامعه سیاسی دارد. البته این آثار و کارکردها همان‌گونه که پیش‌تر هم بیان شد، به نحو استقراء موارد و حاصل جستجوی منابع دینی بوده و نه یک حصر عقلی. باشد که با تأمل در زوایایی که شاید بر نگارندگان این مقاله مخفی مانده، جهات دیگری نیز در این زمینه برای خوانندگان محترم روشن شود که برای رسیدن به این مهم می‌توان پیرامون آیات، روایات و منابع فقهی که موضوع آنها نماز جماعت است دقت و تأمل نمود که چه آموزه‌ای را برای جامعه‌پذیر کردن افراد می‌تواند به ارمغان بیاورد. به نظر می‌رسد از این رهگذر بتوان با تکیه بر جهات اجتماعی نماز جماعت از این ظرفیت مهم نهفته در این عمل عبادی که سرشار از معنویت است، برای اعتلای فرهنگ اجتماعی مسلمانان نیز بهره بیشتری برد.

بنابراین بر دولت اسلامی لازم است که اولاً اهتمام بیشتری نسبت به تقویت این مناسک دینی داشته باشد و ثانیاً آثار و فواید اجتماعی و سیاسی نماز جماعت را برای مردم تبیین و نهادینه کند تا آنها به صورت آگاهانه به اعتلای آن کمک نمایند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ المقنع؛ ج: ۱، قم، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ ج: ۲، قم، ۱۴۰۶ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ علل الشرائع؛ ج: ۱، قم، ۱۳۸۵.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج: ۲، قم، ۱۴۱۳ ق.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه لأحكام الشریعه؛ ج: ۱، قم، ۱۴۰۹ ق.
۶. حسامی، فاضل؛ «اسلام و نظم اجتماعی»؛ ماهنامه معرفت؛ ش ۱۳۹، ۱۳۸۸ ش.
۷. دادستان، پریخ؛ «اختلال اضطراب اجتماعی و نمایش درمانگری»؛ روانشناسی تحولی؛ ش ۱۴، ۱۳۸۶.
۸. دانشنامه رشد (<http://daneshnameh.roshd.ir>)
۹. زین‌آبادی، مرتضی، جامعه‌پذیری حجاب، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۸۶، شماره ۳۸.
۱۰. شیخ مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ ج: ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الأوسط؛ قاهره: دار للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن؛ الامالی؛ ج: ۱، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن؛ تهذیب الأحكام؛ ج: ۴، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. علاقه بند، علی؛ مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی؛ نشر روان، ۱۳۸۰.
۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی؛ تفسیر صافی؛ ج: ۲، تهران، ۱۴۱۵ ق.

۱۶. قاضی، ابوالفضل؛ بایسته‌های حقوق اساسی و نهادهای سیاسی؛ تهران، چ ۵۶، ۱۳۹۶.
۱۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۸. کاوه، محمد؛ آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی؛ ج ۱، چ ۱، تهران: نشر جامعه شناسان، ۱۳۹۱.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار؛ چ ۲، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۲۱. محمدی اصل، عباس؛ «کارکردهای اجتماعی سوگ»؛ مجله گزارش؛ ش ۲۰۴، دی ۱۳۸۷ ش.
۲۲. مرادزاده، فرهاد، جامعه‌پذیری؛ مجله رشد آموزش علوم اجتماعی؛ ش ۱۷، پاییز ۱۳۷۲.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۴. موسسه معارف اسلامی؛ معجم احادیث الامام المهدی؛ قم: نشر جمکران، بی‌تا.
۲۵. موسوی الخمینی، سید روح‌الله؛ توضیح المسائل (محشّی)؛ گردآورنده: بنی‌هاشمی خمینی، سید محمدحسین، چ ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۲۶. موسوی الخمینی، سید روح‌الله؛ نجاه العباد؛ چ ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ ق.
۲۷. هالینگ دیل؛ تاریخ فلسفه غرب؛ عبدالحسین آذرنگ؛ چ ۱، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
۲۸. یاووزار، هالوک؛ ناسازگاری و بزهکاری در کودکان؛ چگونه با مشکل فرار از خانه و اعمال خلاف کودک مبارزه کنیم؛ قدیر گلکاریان، تهران: طلایه، ۱۳۸۲.